

## یادداشت: پای محمد بن زاید فراتر از گلیم ژئوپلیتیک

آنچه مهم است ناتوانی کشورهای عرب خلیج فارس در مدیریت روابط خارجی است و ماجراجویی شاهزاده‌های اماراتی در حال تبدیل شدن به دردمسری جدید برای منطقه همانند جنگ عراق با کویت است.



به گزارش آران نیوز: روز سه شنبه رکس تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا در اقدامی ناگهانی توسط دونالد ترامپ برکنار و مایک پومپئو جایگزین وی در وزارت خارجه آمریکا شد. نحوه برکناری تیلرسون موجب شگفتی بسیاری از ناظران شده است به طوری که آنرا بی سابقه و توهین آمیز می دانند و بنابر اظهار ترامپ در جمع خبرنگاران اختلاف درباره برجام دلیل این اقدام بوده است، هرچند تیلرسون نیز ساعتی بعد بدون اشاره به ایران، با موضع گیری علیه روسیه نشان داد که اختلافات در کاخ سفید عمیق تر از آن چیزی است که انتظار می رود.

هرچند ترامپ و تیلرسون اختلاف خود را درباره برجام و روسیه جلوه دادند اما برکناری وزیر خارجه ایالات متحده به این شکل نشان دهنده اختلافات عمیق تر میان دو نفر درباره مسائل دیگری همچون کره شمالی، رابطه تجاری با اروپا و بحران خلیج فارس نیز است. هرچند مسئله برجام، راشا گیت و مذاکره مستقیم با رهبر کره شمالی می تواند دلایل مهمی برای برکناری تیلرسون باشد اما طی این روزها یکی دیگر از دلایل مهم تضعیف جایگاه وزیر خارجه سابق آمریکا در کاخ سفید کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نکته اینجاست که از نگاه برخی کارشناسان، اختلاف درخصوص بحران اخیر خلیج فارس یکی از پیش‌ران‌های اصلی تشدید اختلافات رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آمریکا بوده است که زمینه برکناری تیلرسون را فراهم آورد. در همین زمینه هفته گذشته بی‌بی‌سی گزارش داد که ایمیل‌هایی دست یافته که حاکی از لابی و تلاش یک بازرگان وابسته به امارات عربی متحده در آمریکا برای برکناری وزیر خارجه ایالات متحده است. متن ایمیل‌ها نشان می‌دهد که الیوت برویدی یکی از حامیان مهم مالی کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ و بازرگان وابسته به امارات عربی متحده، اکتبر 2017 با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرد و از او اخراج آقای تیلرسون را خواستار شد. در یکی از ایمیل‌ها، این تاجر وابسته به امارات، وزیر خارجه آمریکا را «ضعیف» و «یک فرد بی اراده» توصیف می‌کند.

سوال اینجاست که چرا باید اماراتی‌ها با تیلرسون اینگونه دشمن شده باشند؟ در بحبوحه بحران سیاسی در خلیج فارس که با چراغ سبز ترامپ به عربستان و امارات آغاز شده بود، این تیلرسون بود که با کمک جان کلی رئیس کارکنان کاخ سفید و جیمز ماتیس رئیس پنتاگون مانع از اجرای طرح کوشنر، محمد بن زاید و محمد بن سلمان برای هدف قرار دادن قطر شد. دخالت تیلرسون ناجی قطر از حمله نظامی قریب الوقوع بود که براساس گزارش‌ها قرار بود نیروهای اماراتی و سعودی با هلی‌برن در شهر دوحه و همچنین بمباران مراکز حیاتی این کشور، اوضاع را تحت کنترل خود درآورند.

حالا انتظار می‌رود باردیگر لابی امارات توسط یوسف العتیبه آقازاده اماراتی که رهبری لابی این کشور در آمریکا را برعهده دارد باردیگر با قدرت علیه قطر فعال شود تا ترامپ برای اتخاذ تصمیماتی چون انتقال پایگاه نظامی از قطر به امارات و همزمان ورود نیروهای نظامی کشورهای محور به قطر، وارد عمل شوند. آنچه مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است ناتوانی کشورهای عرب خلیج فارس در مدیریت روابط خارجی است و ماجراجویی شاهزاده‌های اماراتی در حال تبدیل شدن به دردمسری جدید برای منطقه همانند جنگ عراق با کویت است.

در این میان نقش دو نفر قابل اشاره است، اول محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی که از وی با عنوان «شیطان خاورمیانه» نامبرده می‌شود و دیگر یوسف العتیبه پسر وزیر نفت اسبق امارات که هم اکنون سفیر این کشور در واشنگتن است. العتیبه که همانند محمد دحلان در خاورمیانه بازوی اجرای سیاست‌های محمد بن زاید در آمریکاست از طریق لابی‌گری و پرداخت رشوه با سیاستمداران جمهوری خواه و دموکرات تلاش می‌کند تا طرح‌های اماراتی‌ها که در همسویی با اسرائیل است، به پیش‌برد.

العتیبه که سمت سفارتش چند ماه قبل به وزارت ارتقاء یافته و به دلیل جایگاه خانوادگی و سابقه هفت سال مشاور امور خارجی محمد بن زاید بودن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها در امارات دارد. سفیر اماراتی که به «مرد جذاب» ملقب است تا دو سال قبل نامی کمتر شناخته شده در رسانه‌های غربی هرچند در جمع‌های سیاسی در آمریکا، وی فردی شناخته شده بود که دوستانی از هر دو حزب داشت؛ از سوزان رایس دموکرات تا کوشنر، همه نزدیکان وی در آمریکا محسوب می‌شوند و روی حمایت‌های مالی اش حساب باز می‌کنند.

انتشار ایمیل‌های العتیبه در بحبوحه بحران سیاسی در خلیج فارس و تقابل محور سعودی - اماراتی با قطر، نام وی را بر سر زبان‌ها انداخت و به سوژه رسانه‌ها تبدیل شد، یوسف العتیبه در روزهای اخیر هم بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است به طوری که با جنجال اخیر درباره روابط خارج از چارچوب کوشنر با اماراتی‌ها که توسط روزنامه واشنگتن پست منتشر گردید، باردیگر نام وی در رسانه‌ها مطرح شده و ممکن است در ادامه حتی هدف تحقیقات بازرسی مولر هم قرار گیرد، هرچند وی از مصونیت سیاسی برخوردار است.

واشنگتن پست تصریح دارد که برخی دیپلمات‌ها مخفیانه در زمینه نفوذ بر کوشنر با توجه به مناسبات تجاری، نیاز به سرمایه

گذاری و کم تجربگی در سیاست خارجی مذاکراتی داشته اند. این روزنامه آمریکایی در لیست خود اشاره ای هم به نام امارات در کنار رژیم صهیونیستی اشاره دارد.

هرچند امارات و العتیبه به تنهایی فاقد چنین توانایی هستند که بتوانند در سیاست داخلی آمریکا بازیگری تعیین کننده باشند و قطعا نقش اصلی را لابی اسرائیل و شخص ترامپ به دلیل اختلاف نظر با تیلرسون در زمینه کره شمالی و برجام داشته اما صرف تلاش امارات برای بازیگری در سپهر سیاسی ایالات متحده امری جالب توجه و البته خطرناک برای این کشور کوچک جنوب خلیج فارس است. آنچه گفته شد حکایت از نقش فعال و فراتر از واقعیات ژئوپلتیک امارات عربی متحده دارد که می تواند هزینه های خطرناکی برای این کشور در پی داشته باشد اما محمد بن زاید فرد شماره یک این روزهای امارات که به لطف دلارهای نفتی توهم قدرت وی را دربرگرفته است، نمی خواهد این مسئله را بپذیرد و به همان مسیری گام نهاده است که کویت در دهه 80 میلادی و قطر در ابتدای هزاره جدید گام نهاد که سرانجام با قدرت سخت مجبور به پذیرش محذوریت های خود در عرصه قدرت شدند.

یادداشت: سید کاظم صادقی